

الگوهای موفق توسعه

یافته‌های تاریخی دربارهٔ کشورهای پیشرفته

ویراستار:

آگوستین کی. فر

برگردان:

علی حبیبی

عنوان و نام پدیدآور	: الگوهای موفق توسعه: یافته‌های تاریخی درباره کشورهای پیشرفته / ویراستار آگوستین کی. فوسو؛ برگردان علی حبیبی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۵۷۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۸-۲۲۱-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Development success: historical accounts from more advanced countries, 2013.
عنوان دیگر	: یافته‌های تاریخی درباره کشورهای پیشرفته.
موضوع	: رشد اقتصادی
موضوع	: Economic development
موضوع	: کشورهای پیشرفته صنعتی
موضوع	: Developed countries
موضوع	: کشورهای در حال رشد
موضوع	: Developing countries
شناخت افزوده	: فوسو، آگوستین کواسی، ویراستار
شناسه افزوده	: Fosu, Augustin Kwasi
شناسه افزوده	: ح. ب. علی، ۱۳۴۸-، مترجم
شناسه افزوده	: Habiby, Ali
شناسه افزوده	: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
رده بندی کنگره	: ۲۸۰.۸۳۸
رده بندی دیویی	: ۳۰۹.۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۹۱
کدپیکیری	: ۵۷۰۷۷۷۵



نام کتاب: الگوهای موفق توسعه: یافته‌های تاریخی درباره کشورهای پیشرفته

مترجم: علی حبیبی

ناشر: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۸

قیمت: ۸۰۰,۰۰۰ ریال

طراح جلد: محمود شهبازی

ویراستار: کتیون امیراحمدی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۸-۲۲۱-۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: جنگل

آماده سازی ادبی و هنری: دفتر خدمات پژوهشی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

آدرس ناشر: خیابان شهید باهنر (نیاوران) - جمال‌آباد - خیابان شهید مختار عسگری - شماره ۶

تلفکس: ۲۶۱۱۶۸۵۲

فهرست مطالب

فهرست سرانجام‌ها	۱۷
معرفی نویسندگان	۱۹
معرفی مؤسسه جهانی پژوهش‌ها: اقتصاد توسعه در دانشگاه سازمان ملل	۲۹
یادداشت رئیس مؤسسه	۳۱
سپاسگزاری و قدردانی	۳۳
دبیرچه مترجم	۳۵
فصل ۱. الگوهای موفق توسعه: شرح تاریخی عملکرد کشور های پیشرفته	۴۱
۱-۱ مقدمه	۴۱
۲-۱ هم‌نهشت	۴۴
۳-۱ نتیجه‌گیری	۶۴
یادداشت‌های پایانی	۶۵
منابع	۶۶

بخش نخست:

اروپای شمالی: فنلاند، نروژ، سوئد، و دانمارک

فصل ۲. دولت توسعه‌خواه فنلاند و الگوی رشد اقتصادی آن	۶۹
۱-۲ مقدمه	۶۹

۷۳	۲-۲ تغییر شرایط سیاسی پس از جنگ جهانی دوم
۷۶	۳-۲ نظام رشد صنعتی فنلاند
۸۰	۴-۲ نقش روابط بین‌المللی
۸۲	۵-۲ ماهیت شرکت‌مداری الگوی رشد
۸۳	۶-۲ شناخت پیش شرط‌های سیاسی الگو در سطح ملی و بین‌المللی
۸۷	۷-۲ واردات اجتماعی بین دولت، صاحبان سرمایه، و نیروی کار
۹۱	۸-۲ تبعات بلندمدت دولت رفاه
۹۲	۹-۲ آبراهه رشد فنلاند هنوز هم مناسب است و کشورهای دیگر می‌توانند از آن
۹۴	الگو برداری کشورها
۹۶	یادداشت‌های پایانی
۹۷	منابع
۹۹	فصل ۳. آیا نروژ می‌تواند الگوی خوبی برای کشورهای دارای منابع طبیعی باشد؟
۹۹	۱-۳ مقدمه
۱۰۱	۲-۳ موضوع درس آموزی از تجربیات سیاستی
۱۰۷	۳-۳ ویژگی‌های اصلی اقتصاد نروژ پیش و پس از افزایش درآمد نفتی
۱۱۵	۴-۳ سیاست‌های اقتصادی نروژ در سال‌های اخیر
۱۱۹	۵-۳ نگاهی به استدلال‌های مرتبط با تفرین منابع و بیماری هلندی
۱۲۵	۶-۳ چگونه داشتن منابع طبیعی می‌تواند مزیت باشد؟
۱۲۷	۷-۳ معادلات رشد بین کشوری درباره فراوانی منابع و نهادها
۱۳۱	۸-۳ نتایج
۱۳۶	یادداشت‌های پایانی
۱۴۱	منابع

فصل ۴. الگوی توسعه سوئد ۱۴۳

۱-۴ مقدمه ۱۴۳

۲-۴ صنعتی شدن و توسعه صنعتی ۱۴۵

۳-۴ دولت رفاه ۱۶۹

۴-۴ درس ها و نتایج مهم ۱۹۵

یادداشت های پایانی ۲۰۰

منابع ۲۰۲

فصل ۵. الگوی دانمارک و جهانی شدن اقتصاد مبتنی بر یادگیری ۲۰۵

۱-۵ مقدمه ۲۰۵

۲-۵ نظام نوآوری در دانمارک ۲۰۶

۳-۵ پیشینه شتاب گرفتن نظام سیاست گذاری مبتنی بر یادگیری ۲۱۵

۴-۵ نهادسازی برای بازار کار و آموزش ۲۲۰

۵-۵ اقتصاد مبتنی بر یادگیری به مثابه زیرساخت لازم ۲۲۴

۶-۵ درس هایی که می توان در زمینه راهبردهای توسعه آموخت ۲۳۵

یادداشت های پایانی ۲۳۸

منابع ۲۴۰

فصل ۶. الگوهای رشد و توسعه کشورهای شمال اروپا ۲۴۳

۱-۶ چهار الگوی کاملاً متفاوت ۲۴۳

۲-۶ ویژگی های مشترک کشورهای شمال اروپا کدامند؟ ۲۴۶

منابع ۲۵۲

بخش دوم:

سایر کشورهای پیشرفته صنعتی: ژاپن، ایرلند، و سوئیس

فصل ۷. الگوی توسعه اقتصادی ژاپن ۲۵۵

۷-۱ توسعه صنعتی موفق در نخستین کشور غیرغربی ۲۵۵

۷-۲ نقطه آغاز توسعه ژاپن کجا بود؟ ۲۵۷

۷-۳ از میان برداشتن تنگناها ۲۵۹

۷-۴ آیا سیاست صنعتی در ژاپن کارآمد بود؟ ۲۶۸

۷-۵ درس‌های مهم و بی‌اهمیت تجربه ژاپن برای کشورهای در حال توسعه امروزی ۲۷۹

یادداشت‌های پایانی ۲۸۲

منابع ۲۸۳

فصل ۸. تعهد به درهای باز اقتصادی در ایرلند ۲۸۵

۸-۱ مقدمه ۲۸۵

۸-۲ توسعه از طریق گشودن درهای اقتصاد ۲۸۶

۸-۳ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اقتصاد ایرلند ۲۸۷

۸-۴ هم‌پیوندی با اروپا ۲۹۲

۸-۵ جست‌وجوی ثبات اقتصاد کلان در داخل ۲۹۶

۸-۶ تقویت سرمایه انسانی ۳۰۱

۸-۷ فروپاشی اقتصادی ۳۰۴

۸-۸ نتایج: درس‌هایی از تجربه ایرلند ۳۰۹

منابع ۳۱۳

فصل ۹. تبدیل سوئیس به کشوری ثروتمند ۳۱۷

۱-۹ مقدمه ۳۱۷

۲-۹ تاریخ چکیده توسعه اقتصادی سوئیس ۳۱۹

۳-۹ عوامل بنیادی تعیین کننده رشد و چهار عامل موفقیت ۳۲۸

۴-۹ نتایج و درس هایی برای دیگر کشورها ۳۴۵

یادداشت های پایانی ۳۴۸

منابع ۳۵۲

فصل ۱۰. الگوهای کشور نمونه ۳۵۷

۱-۱۰ مقدمه ۳۵۷

۲-۱۰ نقش دولت ۳۵۸

۳-۱۰ گشودن درهای اقتصاد ۳۶۳

۴-۱۰ آموزش و سرمایه انسانی ۳۷۰

۵-۱۰ ثبات بخشی به اقتصاد کلان ۳۷۲

۶-۱۰ درس های حاصل از تجربه سه کشور ۳۷۳

یادداشت پایانی ۳۷۵

منابع ۳۷۶

بخش سوم:

اقتصادهای در حال گذار: جمهوری چک، مجارستان، و لهستان

فصل ۱۱. گذار جمهوری چک ۳۷۹

۱-۱۱ مقدمه ۳۷۹

۲-۱۱ راهبرد توسعه ۳۸۰

۳-۱۱ نقش عوامل بین المللی ۳۸۸

۳۹۲	۴-۱۱ ارزیابی راهبرد دوره گذار: دستاوردها و ناکامی‌ها
۴۰۱	۵-۱۱ چالش‌های حال و آینده
۴۰۷	۶-۱۱ پیامدهای سیاستی
۴۰۹	یادداشت‌های پایانی
۴۱۰	منابع

فصل ۲. مجارستان ۴۱۳

۴۱۳	۱-۱ مقدمه
۴۱۴	۲-۱۲ پیامدهای مجارستان را نمونه‌ای موفق به‌شمار آورد؟
۴۱۸	۳-۱۲ تغییر در زمینه متعلق به امل خارجی و داخلی
۴۲۳	۴-۱۲ نقش اجماع ملی و اجتماعی
۴۲۸	۵-۱۲ راهبردها: یادگیری و نزدیکی
۴۳۲	۶-۱۲ دلایل و پیامدهای انحراف پس از عضویت در اتحادیه اروپا
۴۳۶	۷-۱۲ درس‌های اصلاحات مجارستان برای اقتصاد سیاسی جهانی
۴۴۲	یادداشت‌های پایانی
۴۴۴	منابع

فصل ۱۳. نرخ موفقیت حداکثری ۴۴۷

۴۴۷	۱-۱۳ اجماع و اشتگتی نابخردانه
۴۵۰	۲-۱۳ موفقیت بزرگ «راهبردی برای لهستان»
۴۵۳	۳-۱۳ انقباض شدید اقتصاد و کساد پس از آن
۴۵۷	۴-۱۳ معیارهای مختلف اندازه‌گیری پیشرفت اصلاحات و توسعه اقتصادی و اجتماعی
۴۶۴	۵-۱۳ پیامدهای سیاست‌گذاری اقتصادی اشتباه
۴۶۷	۶-۱۳ چه می‌شود اگر ...؟

۴۷۰	۷-۱۳ نتیجه گیری
۴۷۳	شکل های پیوست
۴۷۸	یادداشت های پایانی
۴۸۱	منابع

فصل ۱۴. درس هایی از اقتصادهای در حال گذار ۴۸۵

۴۸۵	۱-۱۴ یافته های تجربی
۴۹۱	۲-۱۴ مر حل توسعه و سیاست بهینه
۴۹۴	۳-۱۴ وابستگی به مس گذشته و نادیده گرفتن جزئیات
۴۹۸	۴-۱۴ آزادسازی بدون تغییر بر ن ظرفیت های دولت
۵۰۵	۵-۱۴ نتیجه گیری
۵۰۶	یادداشت های پایانی
۵۰۹	منابع

واژه نامه ۵۱۳

۵۱۳	فارسی به انگلیسی
۵۲۶	انگلیسی به فارسی

نمایه ۵۳۹

دبیاچه مترجم

از زمانی که برای نخستین بار اندیشه تدوین برنامه‌ای برای سامان‌بخشی به فعالیت‌های توسعه‌ای و قرار دادن ایران در مسیر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مطرح شد، حدود هشتاد سال می‌گذرد. طی این سال‌ها، ده برنامه توسعه (پنج برنامه در سال‌های پیش از انقلاب و پنج برنامه هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی) به اجرا درآمده و هم‌اکنون نیز برنامه ششم توسعه در حال اجراست. در زمینه درجه موفقیت اجرای برنامه‌ها و دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در هر برنامه نیز کشور با فراز و نشیب زیادی روبه‌رو بوده است، به‌طوری که برخی از برنامه‌ها (از جمله برنامه‌های سوم و چهارم پیش از انقلاب و برنامه سوم توسعه پس از انقلاب) برنامه‌هایی بسیار موفق به شمار می‌روند، و برنامه‌های دیگر برنامه‌هایی ناکام و یا با درجه موفقیت نه‌چندان مطلوب ارزیابی شوند.

یکی از موضوعاتی که در سیرین برنامه‌ریزی ایران، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب، مطرح بوده الگوبرداری از کشورهای دیگر، استفاده از تجربیات آن‌ها برای تدوین برنامه‌ها و راهبردهای توسعه بوده است. مخالفان الگوبرداری، نمونه‌های موفق در سطح جهان همواره بر این موضوع تأکید می‌کرده‌اند که، با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی جامعه ایران، تدوین الگوی بومی و سازگار با شرایط کشور ضرورت داشته و نمی‌توان بر تجربیات سایر کشورها برای دستیابی به توسعه تکیه کرد. در برخی موارد این دیدگاه منفی حتی جنبه افراطی‌تری به خود گرفته و این موضوع مطرح می‌شد که اگر برخی از کشورهای فقیر و در حال توسعه توانسته‌اند گام در مسیر رشد و توسعه بگذارند، دلیلی جز وابستگی به غرب و دادن امتیازات سیاسی فراوان به کشورهای منطقه‌طلب غربی نداشته است. از طرف دیگر، موافقین استفاده از تجربیات و دستاوردهای کشورهای موفق، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، همواره بر این موضوع تأکید می‌کنند که قانونمندی‌های علم اقتصاد به‌طور عام، و اصول پایه‌ای توسعه به‌طور ویژه، ارتباطی به شرایط و ویژگی‌های یک کشور یا جامعه خاص نداشته و تمام جوامع برای دستیابی به توسعه، پیشرفت، تعالی، و یا هر نام دیگری که روی آن می‌گذاریم، باید این قانونمندی‌ها و اصول پایه را مد نظر قرار دهند. از دید این گروه از صاحب‌نظران، بی‌توجهی به تجربیات دیگران و تأکید بیش از حد

بر ضرورت تدوین الگوهای بومی سازگار با شرایط کشور، پیامدی جز افزایش هزینه‌های دستیابی به هدف‌های توسعه و نیز به تأخیر انداختن این فرایند نخواهد داشت.

البته، در حال حاضر دیدگاه دوم تا حدود زیادی پذیرفته شده و همگان دریافته‌اند که با درس‌آموزی از تجربیات کشورها و جوامع دیگر می‌توان با هزینه‌ای کمتر و شتابی بیشتر به فرایند توسعه و پیشرفت کشور سروسامان بخشید و موجبات افزایش رفاه پایدار و بلندمدت شهروندان را فراهم ساخت. در زمینه بهره‌مندی از تجربیات کشورهای دیگر نیز دو دیدگاه وجود دارد. طرفداران دیدگاه نخست بر این موضوع تأکید می‌کنند که کشورهای در حال توسعه فقط باید از تجربه سایر کشورهای در حال توسعه که پای در مسیر رشد و توسعه گذاشت، و به‌ویژه از دام فقر و توسعه‌نیافتگی رها شده و به گروه کشورهای برخوردار و توسعه‌یافته بزنند. درس بگیرند. گروه دوم، بر این باورند که کشورهایی که امروزه کشورهای توسعه‌یافته، پیش از آنکه نامیده می‌شوند زمانی خود در ردیف کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر قرار داشته و با شرایینی به مراتب بدتر از کشورهای در حال توسعه امروزی دست‌به‌گریبان بوده‌اند. در نتیجه، مسیری که این کشورها در طول دوره طولانی فرایند توسعه خود پیموده‌اند دربردارندهٔ درس‌های سودمندی است که برای کشورهای در حال توسعه کنونی قابل استفاده خواهد بود.

کتاب پیش رو از جمله کتاب‌هایی است که در راستای دیدگاه گروه دوم به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب، تجربه توسعه و گذار در سه گروه از کشورها مورد بررسی قرار گرفته است. گروه نخست، شامل کشورهای شمال اروپا (فنلاند، سوئد، نروژ، و دانمارک) است، که از تجربه طولانی‌تری در فرایند توسعه برخوردارند. گروه دوم، شامل دیگر کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که از برخی جنبه‌ها مسیر توسعه‌ای به نسبت متفاوت را طی کرده‌اند. گروه سوم کشورهای مورد بررسی نیز شامل آن دسته از کشورهای کمونیستی پیشین با نظام برنامه‌ریزی متمرکز (شامل جمهوری چک، مجارستان، و لهستان) است، که در اصطلاح اقتصادهای در حال گذار موفق نام دارند.

در بررسی تجربه هر کشور برخی ویژگی‌های خاص و برجسته مورد تأکید قرار گرفته است. به طور مثال، بررسی تجربه کشورهای شمال اروپا نشان می‌دهد که دو راهبرد مهم

نقش برجسته و تأثیرگذاری در موفقیت این کشورها داشته است. راهبرد نخست اصلاح ساختار نظام آموزشی، از راه‌اندازی مدارس ابتدایی و متوسطه مناسب برای ایجاد بنیان‌های آموزشی و افزایش سطوح عمومی دانش شهروندان تا ایجاد یک نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی سازگار با نیازهای بازار کار، بوده است. راهبرد دوم نیز پی‌ریزی بنیان‌های توسعه صنعتی بر پایه مواهب طبیعی و شرایط جغرافیایی بوده است. توسعه صنایع تولید ماشین‌آلات چوب‌بری، صنایع تولید خمیر کاغذ و کاغذسازی، کشتی‌سازی، و توسعه فعالیت ماهیگیری و صنایع جانبی آن، همگی فعالیت‌هایی است که با امکانات طبیعی کشورهای شمال اروپا در زمینه جنگل و ذخایر آبرزی سازگاری کامل دارد. ضرورت توسعه روابط بین‌المللی و هم‌پیوندی هرچه بیشتر با اقتصاد جهانی موضوع دیگری است که به عنوان ویژگی برجسته توسعه کشوری چون ایرلند، تشریح مثبت آن در تبدیل این کشور به جامعه‌ای توسعه‌یافته مورد اشاره قرار گرفته است. البته، نویسندگان کتاب از جنبه‌های منفی وابستگی بیش از حد به اقتصاد جهانی و پیامدهای ناگوار آن در زمینه بحران اقتصادی جهانی در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۰ بر اقتصاد ایرلند، عافیت و ضرورت توجه به آن را نیز گوشزد کرده‌اند. در مورد سوئیس، بهره‌گیری از مزیت همسایگی با دولت‌های بزرگ و قدرتمند آن زمان قاره اروپا (فرانسه، آلمان، و ایتالیا) به منظور جبران کم‌توانی ناشی از محصور بودن این کشور در خشکی، ایجاد نظام سیاسی فدرال اعتراض‌پذیر و واگذاری اختیارات فراوان به استان‌ها در زمینه تدوین قوانین جنایی و مدنی، مالیات‌ستانی، و آموزش همگانی، در کشوری با تنوع قومی و نژادی گسترده، از جمله درس‌هایی است که می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه سودمند باشد. در مورد ژاپن، می‌توان به اقداماتی چون ایجاد نظام مالیات یکپارچه، ایجاد نظام پولی و بانکی مدرن، گشودن درهای اقتصاد به روی خارج، ایجاد ارتش و نیروی دریایی قدرتمند، واردات فناوری‌های پیشرفته غربی در زمینه صنعت، حمل‌ونقل، و ارتباطات، راه‌اندازی مجموعه‌های صنعتی بزرگ (زایاتسو)، و اتخاذ راهبرد توسعه صادرات- به‌ویژه در محصولات الکترونیک و خودرو- از جمله دلایل موفقیت راهبرد توسعه ژاپن به‌شمار می‌رود. در مورد کشورهای در حال گذار، اگرچه در ظاهر ممکن است این گونه به نظر برسد که تجربه این کشورها درس‌های سودمندی برای کشورهای در حال توسعه در بر ندارد، اما

همان‌طور که در فصل‌های مربوط به بررسی تجربه این کشورها نیز اشاره شده است، به دلیل اینکه در بیشتر کشورهای در حال توسعه اقتصاد بازار به مفهوم کامل آن پیاده‌سازی نشده و با موانع فراوانی روبه‌روست، بررسی تجربه اقتصادهای در حال گذار موفق می‌تواند موجب امیدواری و افزایش انگیزه کشورهای در حال توسعه برای مدیریت مناسب فرایند گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده به اقتصاد بازار شود.

در مجموع، همان‌طور که در انتهای فصل نخست کتاب جمع‌بندی شده است، درس‌های حاصل از بررسی تجربه توسعه در سه گروه کشور مورد مطالعه را می‌توان در قالب محورهای زیر خلاصه کرد:

- مرور ایجاد هماهنگی میان بازار و بخش عمومی؛
- نقش بخش عمومی در تأمین مالی فعالیت‌های توسعه‌ای؛
- ضرورت تدوین اجراء راهبردهای رشد برابری طلبانه، با هدف به حداقل رساندن ریسک‌های اجتماعی و رعایت همبستگی اجتماعی؛
- پایدارسازی رفاه اجتماعی در اقتصادهای برخوردار از منابع طبیعی، از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب برای مدیریت بهینه درآمد حاصل از بهره‌برداری و فروش این منابع؛
- گشودن درهای اقتصاد به روی اقتصاد جهانی و هم‌پیوندی گسترده با آن، به اضافه ایجاد ظرفیت‌های نهادی مناسب برای مقابله با چالش‌های منفی ناشی از ادغام در اقتصاد بین‌المللی؛
- گسترش هماهنگی اجتماعی و سیاسی، با هدف برقراری ارتباط دوجانبه میان شهروندان و نخبگان سیاسی جامعه؛
- لزوم گسترش مشارکت دولت با بخش خصوصی، به منظور دستیابی به تقسیم کار مناسب برای انجام مسئولیت‌ها و ایجاد هم‌افزایی مناسب؛
- ایجاد نظام آموزشی مناسب به منظور تشکیل سرمایه انسانی مورد نیاز فرایند توسعه؛
- ایجاد فضای اقتصاد کلان با ثبات و سازگاری میان سیاست‌های اقتصادی، با هدف کنترل دامنه نوسان متغیرهای اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در بلندمدت؛

■ استفاده کامل از ظرفیت‌های دولت در دوره گذار از برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد بازار؛

و

■ ایجاد ساختار صنعتی سازگار با شرایط و موقعیت‌های طبیعی و جغرافیایی و مزیت‌های نسبی اقتصاد.

کتاب در قالب سه بخش و چهارده فصل تنظیم شده است. در فصل نخست تصویری کلی از مباحث ارائه شده در کتاب و جمع‌بندی درس‌های حاصل از بررسی تجربه کشورهای مختلف بیان شده است. بخش نخست، شامل فصل‌های دوم تا ششم، به بررسی تجربه کشورهای اروپای شمالی، اختصاص دارد. در بخش دوم، شامل فصل‌های هفتم تا دهم، تجربه سه کشور ژاپن، ایران، و ترکیه بررسی شده است. تجربه اقتصادهای در حال گذار نیز موضوع مباحث بخش سوم کتاب، شامل فصل‌های یازدهم تا چهاردهم، است. در پایان هر بخش یک فصل مستقل به جمع‌بندی مباحث ارائه شده در فصل‌های مربوط به همان بخش اختصاص یافته است. همچنین، در پایان هر فصل درس‌های حاصل از تجربه کشور مورد بررسی برای کشورهای در حال توسعه، اعم از درس‌های سودمند و یا نکات منفی که این کشورها باید از آن پرهیز نمایند، ارائه شده است.

برگردان فارسی کتاب حاضر با این هدف انجام شده که برنامه‌ریزان، دست‌اندرکاران، و صاحب‌نظران توسعه بتوانند با تلفیق تجربیات گران‌بهای حاصل از شستاد سال برنامه‌ریزی در کشور با درس‌های به دست آمده از تجربیات تاریخی دیگر کشورهای جهان، اعم از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضمن اصلاح کاستی‌ها و اشتباهاتی که در گذشته وجود داشته است، اصلاحات مورد نیاز در برنامه‌های در حال اجرا و برنامه‌هایی که در آینده متصور خواهد شد را به عمل آورده و کشور را در مسیر درست حرکت به طرف جامعه‌ای توسعه‌یافته، پیشرفته، و برخوردار از رفاه مادی و معنوی مطلوب قرار دهند. همچنین، کتاب می‌تواند مورد استفاده اساتید درس توسعه اقتصادی و دانشجویان رشته‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت، و سایر رشته‌های مرتبط نیز قرار گیرد.

در اینجا لازم است از جناب آقای دکتر فدایی مدیر کل محترم دفتر خدمات پژوهشی و همکاران ارجمندشان سرکار خانم اعظم اسماعیلی و جناب آقای محمد حسینی اصفهانی در

گروه تدوین منابع که اسباب انتشار این کتاب را فراهم ساختند، صمیمانه تشکر شود. در پایان باید بیشترین سپاس خود را نسبت به همسر و فرزندان عزیزم ابراز کنم که همواره مشوق من در انجام فعالیت‌های پژوهشی و علمی بوده‌اند. به‌ویژه باید قدردان پسر بزرگم، سیاوش، باشم که در مراحل مختلف ترجمه کتاب به من در ترجمه پاره‌ای از جملات دشوار و مبهم و پیدا کردن معادل فارسی مناسب برای برخی واژه‌های نو یاری رساند. بدیهی است بدون کمک‌های او ترجمه کتاب به سرانجام مطلوب نمی‌رسید. بی‌تردید ترجمه کتاب دارای کاستی‌های فراوانی است. لذا از تمامی صاحب‌نظران، اساتید، و دانش‌پژوهان گرامی درخواست می‌نمایم دیدگاه‌ها، رهنمودها، و توصیه‌های خود را با پست الکترونیکی و یا از طریق مرسس، عالی‌آخوش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی به اینجانب منعکس نمایند.

اردیبهشت ۱۳۹۸

علی حبیبی

ahabibi344@gmail.com